



رهاي همه چيز به درستي کنار هم قرار می‌گیرد

۵ نقطه قوت سریال «رهايم کن»

احمد محمد تبریزی
روزنامه‌نگار

اگر «رهايم کن» را بهترین سریال شبکه نمایش خانگی بدانیم، حرف بیراهي نگفته‌ایم. شهرام شاه‌حسینی که قبلاً با «می‌خواهم زنده بمانم» شانس خود را در شبکه نمایش خانگی امتحان کرده و توانسته بود توانایی‌هایش در سریال‌سازی را نشان دهد، این بار با «رهايم کن» یک پله از سریال قبلی‌اش جلوتر رفته است. هرچقدر شاه‌حسینی را در سینما و تلویزیون، کارگردانی معمولی و متوسط و حتی گاهی ضعیف بدانیم به همان اندازه باید او را در سریال‌های شبکه نمایش خانگی بالاستعداد و کاربلد قلمداد کنیم. او اهمیت مخاطب در این حوزه را دریافته و می‌داند کار ضعیف ارائه دادن در شبکه نمایش خانگی، با از دست دادن مخاطب و زیر سؤال رفتن نام کارگردان تمام می‌شود. پس او تمام توانش را برای کار در این حوزه گذاشته و جواب خوب کار کردنش را هم گرفته است. «رهايم کن» نقاط قوت زیادی دارد و مروری بر نقاط قوت آن نشان می‌دهد چرا باید این سریال را در حال حاضر بهترین سریال شبکه نمایش خانگی بدانیم.



است. یا بازی‌های کارگردان با صورت هاتف هنگام رفتن او به ژاندارمری، اجازه نداده تا این سکانس، معمولی و کم اهمیت شود. سریال صحنه‌های اینچنینی کم ندارد و اگر با دقت اثر را ببینیم متوجه جزئیات آن خواهیم شد. شاه‌حسینی با «رهايم کن» قدرت کارگردانی‌اش را به رخ کشیده است.

حفظ شدن ریتم سریال

یکی از ضعف‌های بزرگ سریال‌های ایرانی به از ریتم افتادن قصه در قسمت‌های میانی برمی‌گردد. معمولاً سریال‌های ایرانی خیلی خوب شروع می‌شوند و خیلی ضعیف ادامه پیدا می‌کنند. کارگردانان ایرانی ایده اولیه درخشانی برای شروع دارند ولی هر چه می‌گذرد ایده‌شان آب می‌رود و از جذابیت می‌افتد. حفظ کردن ریتم داستان، کار مهمی است که در سریال‌های مشهور دنیا اتفاق می‌افتد. در مثال‌های زیادی می‌توان ضعف بزرگ سریال‌های ایرانی را در از رمق افتادن قصه دید. «قورباغه»، «شهرزاد»، «نهنگ آبی»، «خاتون» و بسیاری دیگر، سریال‌هایی هستند که خیلی خوب شروع شدند و خیلی خوب ادامه پیدا نکردند. حتی سریال خوب «یاغی» با آن شروع و ادامه هیجان‌انگیز، قصه‌اش در قسمت‌های پایانی آب رفت تا چند قسمت آخر سریال مثل قسمت‌های ابتدایی نباشد. «رهايم کن» تا الان خوب شروع شده و خوب ادامه پیدا کرده و اگر خوب تمام شود، به استثنایی در میان سریال‌های شبکه نمایش خانگی تبدیل خواهد شد.

مختلفی تطبیق دهد. او این بار در نقش حاتم، نقطه مرکزی سریال است. بازیگران دیگری که نقش فرعی و مکمل دارند هم بهترین بازی‌هایشان را انجام می‌دهند. بازی حسن معجونی، شهرام قاندي و کارگران کارخانه خیلی خوب درآمده و کمک زیادی به باورپذیر کردن داستان سریال کرده است. حتی شخصیت کودک فیلم که سندروم داون دارد نیز کمک زیادی به پیشبرد داستان می‌کند. بازی محمد صادق میرمحمدی در نقش راما و پسر حاتم درخشان است. کودک با وجود داشتن سندروم داون نقش پذیر خوبی داشته و مشخص است، کارگردان و بازیگردان سریال، وقت زیادی برای کار کردن با او گذاشته‌اند.

کارگردانی قابل قبول

دوربین شاه‌حسینی در «رهايم کن» بسیار حرفه‌ای‌تر، پخته‌تر و چشم‌نوازتر از تمام کارهای قبلی‌اش است. قاب بندی‌های سریال چه در نماهای لانگ شات، چه در نماهای کلوزآپ اصولی و درست انجام شده و جذابیت‌های بصری سریال را بالا برده است. دوربین آرش رضانی در «رهايم کن» صحنه‌ها را حساب شده قاب بندی کرده است. نماهای باز زیادی را در سریال می‌بینیم که دوربین با دقت و وسواس خاصی طوری دکوپاژ شده تا زیباترین تصویر را مقابل دوربین ظاهر شده‌اند. در کنار بازی خوب بازیگران، شخصیت‌پردازی خوب کاراکترها نیز بر قوت کار افزوده است. روابط پیچیده شخصیت‌ها، بار دراماتیک اثر را زیاد کرده و همه چیز بخوبی در خدمت داستان اصلی قرار گرفته است. به نوعی شخصیت اضافه در سریال نمی‌بینیم. تمام شخصیت‌هایی که نمایش داده می‌شوند، کارکردی دارند و در نقطه‌ای از سریال به آنها برمی‌خوریم.

اصلی بیشتر می‌شود. این به قوت کار برمی‌گردد. بیننده در کنار پیگیری داستان حاتم، هاتف و مارال، با شخصیت‌های زیادی آشنا می‌شود که هر کدام سرنوشت مخصوص به خودشان را دارند. کارگران معدن، بهرام، یونس، نایب خان، افسانه و... همه شخصیت‌هایی هستند که به نوعی درگیر سرنوشتشان می‌شویم. داشتن پی‌رنگ و خرده پی‌رنگ‌های جذاب، به نقطه قوت «رهايم کن» تبدیل شده و در هر قسمت مخاطب را با ماجراهای زیادی آشنا می‌کند. همچنین دیالوگ‌های شخصیت‌ها خوب نوشته شده است. در بعضی سکانس‌ها دیالوگ‌های پینگ پنگی شخصیت‌ها نه تنها حالتی مصنوعی و الکن ندارد بلکه کاملاً طبیعی درآمده است. دیالوگ‌های جاندار از عوامل مهم دیگر در باورپذیر شدن شخصیت‌ها شده است.

بازی‌های قوی و

شخصیت‌پردازی‌های درست

بازیگران «رهايم کن» را مجموعه‌ای از بازیگران حرفه‌ای تشکیل می‌دهند. محسن تانبنده، هوتن شکبیا، حسن معجونی، بابک کریمی، مهدی حسینی‌نیا، هدی زین‌العابدین و دیگر بازیگران، همگی به بهترین شکل مقابل دوربین ظاهر شده‌اند. در کنار بازی خوب بازیگران، شخصیت‌پردازی خوب کاراکترها نیز بر قوت کار افزوده است. روابط پیچیده شخصیت‌ها، بار دراماتیک اثر را زیاد کرده و همه چیز بخوبی در خدمت داستان اصلی قرار گرفته است. به نوعی شخصیت اضافه در سریال نمی‌بینیم. تمام شخصیت‌هایی که نمایش داده می‌شوند، کارکردی دارند و در نقطه‌ای از سریال به آنها برمی‌خوریم.

بازی بازیگران هم قابل قبول است. تنابنده بازیگری حرفه‌ای و قهار است و می‌تواند خودش را با نقش‌های

فضاسازی کم نقص از دهه ۵۰

کارگردانان در چند سال اخیر علاقه زیادی به نشان دادن فضای ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ نشان داده‌اند. بافت اجتماعی ایران در آن زمان و سیر اتفاقات و حوادث، دست کارگردانان را برای نوشتن سناریو و سریال‌سازی باز می‌گذارد. شاه‌حسینی با «می‌خواهم زنده بمانم» دوران دهه ۶۰ را به تصویر کشیده بود و این بار در «رهايم کن» یک دهه عقب‌تر رفته است. هوشمندی شاه‌حسینی برای فضاسازی آن دوران در این است که مثل بسیاری از سریال‌های تاریخی، خودش را به فضای شهرک سینمایی غزالی محدود نکرده است و با تنوع لوکیشن، تصاویر تازه‌ای پیش روی بیننده‌اش قرار می‌دهد. همچنین صحنه‌های مربوط به روستا و معدن خیلی خوب درآمده است. فضایی که کارگران در معدن کار می‌کنند، بسیار طبیعی و درست کار شده و مشخص است کارگردان برای چیدن میزانشن این سکانس‌ها با برنامه کار کرده و زحمت کشیده است. اتوبوس‌ها، ماشین‌ها و اکسسوار صحنه در خانه و کافه و لوکیشن‌های مختلف با دقت طراحی و چیده شده تا همه چیز فضای قدیمی و سنتی دهه ۵۰ را بازنمایی کند. شاید تنها نقطه ضعف سریال در این بخش به ضعف بودن جلوه‌های ویژه برگردد. صحنه‌های باران یا دود اتوبوس‌ها یا مواقعی که بازیگران در ماشین حضور دارند خیلی خوب پردازش نشده است. بویژه صحنه‌های مربوط به رانندگی بازیگران در ماشین‌ها، اگر استودیویی فیلمبرداری نمی‌شد، جایی برای ضعف و ایراد نمی‌گذاشت.

داشتن داستان‌های فرعی جذاب

فیلم و سریال‌های ایرانی در بیشتر مواقع از فقر داستان رنج می‌برند. اگر کارگردانان این مشکل را در فیلمنامه‌هایشان برطرف کنند، ضعف بسیاری از فیلم و سریال‌های ایرانی از بین خواهد رفت. شاه‌حسینی با علم به این موضوع، سناریویی جذاب برای «رهايم کن» نوشته است. سریال در کنار خط اصلی داستانش، پر از داستان‌های فرعی جذاب است که گاهی جذابیت‌شان از قصه



در مثال‌های زیادی می‌توان ضعف بزرگ سریال‌های ایرانی را در از رمق افتادن قصه دید. «قورباغه»، «شهرزاد»، «نهنگ آبی»، «خاتون» و بسیاری دیگر، سریال‌هایی هستند که خیلی خوب شروع شدند و خیلی خوب ادامه پیدا نکردند. حتی سریال خوب «یاغی» با آن شروع و ادامه هیجان‌انگیز، قصه‌اش در قسمت‌های پایانی آب رفت تا چند قسمت آخر سریال مثل قسمت‌های ابتدایی نباشد. «رهايم کن» تا الان خوب شروع شده و خوب ادامه پیدا کرده و اگر خوب تمام شود، به استثنایی در میان سریال‌های شبکه نمایش خانگی تبدیل خواهد شد.

